



واکاوی مفهوم «زن»؛ «زندگی»؛ «آزادی» در اندیشه امام خامنه‌ای (مدّ ظله العالی)

اعظم محمودی^۱ فاطمه علی‌پور^۲

چکیده

مسئله زنان و جایگاه آنان در جامعه، پیوسته از مسائل مورد توجه اندیشه‌ورزان بوده و چه بسا در رخدادهای سیاسی- اجتماعی مورد بهره‌برداری گروه‌های مختلف قرار گرفته است. اعتقاد نظریه‌پردازان برجسته انقلاب اسلامی در این رابطه؛ توازن نقش فردی و اجتماعی زن است که در تقابل با مدعیان شعار (زن، زندگی، آزادی) قرار دارد. هدف پژوهش حاضر تبیین اندیشه‌های مقام معظم رهبری در موضوع «زن؛ زندگی؛ آزادی» است (مسئله)؛ روش پژوهش توصیفی- تحلیلی، با رویکرد استقرایی است (روش)؛ نتایج حاکی از آن است که مقام ایشان با تمسک به آیات قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم السلام)، مرد و زن را از یک جوهر و حقیقت می‌داند که در برخی از خصوصیات و وظایف، با هم تفاوت‌هایی دارند؛ و هر دو باید برای رسیدن به زندگی عزت‌مند و حیات طیبه تلاش کنند. امام خامنه‌ای هرچند حق پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی را از زنان سلب نمی‌کند ولی قائل به اصالت نقش محوری زن در خانواده، به عنوان مادر و همسر است. ایشان منشأ آزادی بشر را توحید الهی و نفی هر قید و بندی غیر از بندگی خدا دانسته؛ و آزادی غربی به معنای بی‌بندوباری را مردود می‌شمارد (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: اندیشه امام خامنه‌ای، زندگی و آزادی زن؛ شعار (زن، زندگی، آزادی)

دوره ۱۳، شماره ۱،
پیاپی ۳۱ بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۴/۲۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۲/۲۵
صص: ۱۳۲-۱۱۵

شاپا: ۲۳۲۲-۵۶۴۵

رتبه علمی

ب

پژوهشی نهادت گواهی شد
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.1.6.7

۱. گروه آموزش زبان و ادبیات عرب، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) a.mahmoodi@cfu.ac.ir

۲. گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران.

alipoor@cfu.ac.ir

مقدمه

دین اسلام، همهٔ بشریت را در تمامی اعصار و دوره‌ها؛ و فارغ از تفاوت‌های جنسیتی، قومی و نژادی، مخاطب خویش می‌داند و قائل به هدایت‌گری قرآن در تمامی جنبه‌های مورد نیاز بشری - از کمالات معنوی و قرب الهی گرفته، تا نیازهای دنیوی و مادی بشر - است. بر این اساس، «زن» در اصل آفرینش و کرامت انسانی، برابر با مرد است و بر این موضوع در آیات قرآن تأکید شده است؛ از جمله: «و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (ترجمه: و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند) (روم/۲۱)؛ و «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ مَنْكُم مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ...» (ترجمه: پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [که: یقیناً من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگرند تباه نمی‌کنم...]) (آل عمران/۱۹۵)؛ و نیز: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ...» (ترجمه: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم...) (حجرات/۱۳).

و هم‌چنین نگاه اسلام به زندگی، آن گونه زیستنی است که آدمی را علاوه بر تأمین نیازهای متعارف در زندگی دنیا؛ به مسیر معنویت، آخرت و سعادت در زندگی جاوید رهنمون شود؛ و آن زندگی را که هدفش تنها خوردن و خوابیدن و بهره‌گیری از لذت‌های دنیوی است، زندگی حیوانی می‌نامد که تنها کافران در پی آن هستند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًىٰ لَهُمْ» (ترجمه: درحالی‌که کافران همواره سرگرم بهره‌گیری از [کالا و لذت‌های زودگذر] دنیایند و می‌خورند، همان‌گونه که چهارپایان می‌خورند و جایگاهشان آتش است). (محمد/۱۲)

در مورد «آزادی» نیز نگاه دین اسلام بر این اصل استوار است که انسان، به عنوان موجودی شریف و نمونه، برخوردار از امتیازاتی است که سایر موجودات از آن محرومند: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرُوجِ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (ترجمه: به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم). (اسراء/۷۰) و یکی از این امتیازات افراد انسانی، آزادی ارادهٔ توأم با مسئولیت است که می‌تواند به واسطهٔ آن سرنوشت خود را به سمت سعادت یا شقاوت سوق دهد: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (ترجمه: ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس‌گزار خواهد بود یا ناسپاس). (انسان/۳) بنابراین انسان‌ها - چه مردان و چه زنان - به طور ذاتی در بیشتر رفتارهای خود آزادند، مگر در مواردی که کرامت انسانی فرد و

جامعه در معرض خطر قرار گیرد که در آن صورت قوانین محدودکننده‌ای وضع می‌شود. این قوانین می‌توانند با توجه به دو عنصر زمان و مکان، محدود شده یا توسعه یابند؛ ولی هیچ‌گاه محدودسازی و یا گسترش آزادی‌ها در قوانین دینی نباید سلیقه‌ای و فردی باشد، بلکه کارشناسان دینی آگاه به جامعه و زمان، باید ضرورت چنین تغییراتی را بررسی کرده و مقدمات اجرای آن را فراهم نمایند.

در تابستان ۱۴۰۱ جبهه‌ای متشکل از سرمایه‌داری جهانی و سلطه صهیونیستی، با حمایت جبهه نفاق داخلی و خارجی؛ با در دست گرفتن قدرت رسانه‌ای و با استفاده از جهالت و ناآگاهی تعدادی از جوانان فریب‌خورده، شعار «زن، زندگی، آزادی» را دست‌مایه فتنه‌ای بزرگ قرار دادند تا کیان و هستی انقلاب اسلامی ایران را که امید مستضعفان جهان است به نابودی بکشانند. شعاری که مورد استفاده جریان باطل قرار گرفت و هدف آن تحمیل هزینه‌های گزاف فرهنگی و غیرفرهنگی بر اسلام و نظام اسلامی در سطح جهانی بود. (فاتحی دهاقانی، ۱۴۰۱)

با بررسی دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری؛ و اندیشمندانی چون استاد شهید مطهری، می‌توان دریافت که رویکرد جمهوری اسلامی به نقش و جایگاه زنان، مبتنی بر مبانی و معارف اسلام و قرآن؛ و اعتقاد به توازن نقش فردی و اجتماعی زن است. چنان‌که امام خمینی (ره) در بیانات و سخنرانی‌های خود پس از تأکید بر نقش مادری و محوری زن در خانواده، بر دخالت زنان در مقدرات اساسی مملکت تأکید کرده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۳۰۱).

مقام معظم رهبری نیز در ارتباط با بحث زنان، پیوسته قائل به برابری زن با مرد در موضوع کرامت انسانی و امکان رشد و پیشرفت بوده و هیچ‌گاه زن را از مشارکت در مسائل اجتماعی منع نکرده‌اند؛ اما اولویت اصلی ایشان، نقش محوری زن در خانواده به عنوان مادر و همسر است. (حسینی خامنه، ۱۳۸۴/۰۵/۰۵).

پژوهش حاضر در تلاش است تا با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن واکاوی بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، به این سؤال پاسخ دهد که: جایگاه زن و میزان بهره‌مندی او از آزادی و مواهب زندگی، در اندیشه ایشان چیست و این جایگاه بر چه مبنایی استوار است؟

۲. پیشینه پژوهش

تا کنون در مورد زن و حقوق فردی و اجتماعی؛ به ویژه حق آزادی او مطالعات گوناگونی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

گلی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری» به سنجش میزان احساس امنیت زنان در یکی از پارک‌های شیراز، به عنوان فضای عمومی پرداخته و ثابت کرده‌است که عوامل محیطی و عوامل شخصیتی تأثیر معناداری بر میزان این احساس دارد. میرخلیلی و محمدی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی نظری حق آزادی زنان از دیدگاه

امام خمینی «اظهار داشته‌اند که حق آزادی زنان از دیدگاه امام خمینی، مبتنی بر مبانی عقلی، نقلی و شهودی است. و از منظر ایشان بانوان با رعایت قوانین شرعی در تعاملات اجتماعی، فرهنگی و سیاست مانند مردها از حق آزادی برخوردارند. و نیز مقوله کرامت انسانی که امام بر نسبت تساوی آن میان مرد و زن تأکید دارد، دیدگاه وی را از رویکرد آزادی غربی متمایز می‌سازد.

حسین نژاد و اسماعیل پور (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «زن در اندیشه اسلامی» پس از اثبات ارتباط وظیفه‌مداری زن مسلمان در بستر عبودیت، به بیان وظایف وی در سه بخش فردی؛ خانواده و جامعه پرداخته‌اند.

احمدی نیک و یوسف‌وند (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «حقوق زنان و آزادی‌های فردی (با تأکید بر پوشش و آثار اجتماعی آن» به این نتیجه دست یافته‌اند که رعایت عفت تأثیر مستقیمی بر زندگی فردی و اجتماعی زنان، و اثراتی بر مهر المثل و احصان و عدم ارتکاب فسق داشته و نهی اسلام از تبرج و خودنمایی زنان برای نامحرم، تفسیر درستی از آزادی زنان است. مظاهری کوهانستانی و حیدریان دولت‌آبادی (۱۳۹۸) مقاله‌ای با هدف بررسی تحولات فقهی شیعه درباره حقوق و آزادی‌های زنان و تأثیر زمان و مکان بر این تحولات، تحت عنوان «مطالعات کاربردی تحولات فقهی شیعه در دوران معاصر در باره حقوق و آزادی‌های زنان» به رشته تحریر درآورده و در آن نتیجه گرفتند که زنان در این دوران، در مقایسه با فقه متقدم، از احکام حقوقی متمایزی برخوردار شده است.

صادقی و عنایت‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «تبیین حقیقت جایگاه زن در اسلام براساس متن دین و اندیشمندان تراز اسلامی» به نتیجه رسیده‌اند که زن از جایگاه ویژه‌ای در اسلام برخوردار می‌باشد و نگاه ابراری به او مورد تأیید نیست و هم‌چنین نسبت فقر و تحقیر زنان در متون اسلامی، یک امر کاملاً خودساخته از سوی بدخواهان و مدعیان اندیشمندی اسلامی است.

محسنی مری و عباسی (۱۴۰۲) مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌شناسی آزادی و عدالت اجتماعی و هم‌پیوندی آن در گفتمان نهج البلاغه» به رشته تحریر درآورده و در آن به صورت‌بندی چگونگی رابطه عدالت اجتماعی و آزادی در گفتمان لیبرال و نهج البلاغه پرداختند.

اما در موضوع «زن؛ زندگی؛ آزادی» به طور جامع تحقیقات گسترده‌ای انجام نشده؛ هر چند که محورهای بحث، به طور جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است؛ از این رو پیشینه قابل قبولی در این رابطه وجود ندارد و تنها می‌توان به موارد معدودی اشاره کرد؛ از جمله: طاهری‌کیا (۱۴۰۱) مقاله‌ای با عنوان «رخداد زن، زندگی، آزادی و نبرد بر سر تسخیر فضا» به نگارش درآورده و در آن استدلال‌های داده محور و نظری را جمع‌آوری کرده است تا برای رخداد (زن، زندگی، آزادی) کارکردی احتمالی را تفسیر و تبیین کند. زنگی‌آبادی (۱۴۰۱) نیز کتابی با

عنوان «زن، زندگی، آزادی» نوشته و در آن با روایت داستان دختری که در اعتراضات شرکت کرده و برایش مشکلاتی به وجود آمده است؛ جریان اعتراضات ۱۴۰۱ را مورد تحلیل قرار داده است. هم‌چنین راجی (۱۴۰۱) در کتابی داستانی، با همین عنوان؛ سعی دارد به موضوع اعتراضات مذکور و شبهات پیرامون آن بپردازد.

بدین ترتیب نوآوری پژوهش پیش رو از آن جهت است که برای نخستین بار، با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری، شعار «زن، زندگی، آزادی» به طور جامع مورد واکاوی قرار گرفته و به خلأ پژوهشی در این زمینه، توجه شده است.

۳. شعار «زن، زندگی، آزادی»

شعارها زاینده ایدئولوژی‌ها هستند و ایدئولوژی‌ها در پیوند با وضعیت عینی جامعه شکل می‌گیرند. به عنوان نمونه شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، در رابطه با جامعه استبداد زده و حاکمیت وابسته و سکولار پهلوی شکل گرفت و بیانگر آرمان‌ها و خواست عمومی ملت ایران بود؛ و البته این رویه در تمام انقلاب‌های بزرگ اجتماعی دنبال می‌شود.

شعار «زن، زندگی، آزادی» اولین بار توسط «عبدالله اوجالان» رهبر جنبش آزادی‌بخش کردستان ترکیه (پ ک ک)، که از جنبش‌های رادیکال مبارزه آزادی زنان؛ و نظریه‌پرداز ژنولوژی^۱ است، مطرح شد. سپس این شعار توسط افراد و گروه‌های دیگر و از جمله؛ در جنگ علیه داعش استفاده شد. و بالأخره در سال ۱۴۰۱ دست‌مایه عده‌ای برای بروز اعتراضات و ایجاد فتنه و آشوب در ایران گردید.

تحلیل و بررسی، و مراجعه به منشأ این شعار در فتنه اخیر، ثابت می‌کند که این اعتراضات، ایدئولوژی مستحکمی نداشته و بیشتر نمادی برای بیان نارضایتی‌های گسترده عمومی یک جامعه ملتهب بود. فقدان عقلانیت در این اعتراضات آن را به یک شورش مبدل کرد و به سطح بالای خشونت‌ورزی کشاند؛ تا جایی که شکنجه انسان‌های بی‌گناه و بی‌سلاح و خشونت کلامی گسترده به امری عادی در سطح خیابان بدل شد. و این اتفاقات نشان‌دهنده یک برانگیختگی و شورش عواطف و احساسات، در شرایط فقدان عقلانیت است. (طاهرخانی، ۱۴۰۱)

واکاوی این حادثه و تحلیل رخدادهای آن، خبر از انسجام و اتحاد جبهه کفر و شرک جهانی می‌دهد که توسط نظام سرمایه‌داری آمریکا و اروپا و سلطه صهیونیستی، با طراحی قبلی رقم خورد و جبهه نفاق برخی از کشورهای اسلامی و منافقان و اشار تجزیه طلب مرزهای شرقی و غربی و جنوبی کشور آن را عملیاتی و اجرایی کردند و قدرت رسانه‌ای جهانی با شعار (زن، زندگی، آزادی) از آن حمایت کردند.

^۱ ژنولوژی به معنای علم زنان، به جنبش اجتماعی-سیاسی فمینیستی و نیز دانشی فمینیستی اطلاق می‌شود که به دنبال برابری جنسیتی و رهایی زنان بوده و به عنوان فمینیسم کردی نیز شناخته می‌شود.

مقام معظم رهبری در رابطه با این فتنه از اصطلاح «جنگ ترکیبی» استفاده کرده، می‌فرماید: «این اتفاقات [اعتشاشات ۱۴۰۱] صرفاً یک اغتشاش خیابانی نبود؛ [پشت] این، برنامه‌های خیلی عمیق‌تری بود. دشمن یک جنگ ترکیبی را شروع کرد؛... دشمن یعنی آمریکا، اسرائیل، بعضی از قدرت‌های اروپایی موذی و خبیث، بعضی از گروه‌ها و گروهک‌ها، همه امکاناتشان را وارد میدان کردند... یعنی دستگاه‌های اطلاعاتی‌شان را، دستگاه‌های رسانه‌ای‌شان را، ظرفیت فضای مجازی‌شان را، استفاده از تجربه‌های گذشته‌شان را... دشمن همه این ظرفیت‌ها را در این چند هفته وارد میدان کرد برای این‌که بتواند بر ملت ایران فاتح بیاید...».

(حسینی خامنه، ۱۴۰۱/۰۸/۱۱)

بنابراین شورش مذکور را نمی‌توان تنها یک اعتراض زنانه جهت احیای حقوق زنان دانست هرچند که نفی وجه زنانه ماجرا نیز به طور کامل درست نیست. در واقع این حادثه به بهانه اعتراض به نفی کرامت انسانی زن، نقطه شروع یک مسیر تند و رادیکال شد که به دلیل فقدان عقلانیت در ایده‌پردازی و هدایت شورش، قابلیت تولید جنبش معطوف به اصلاح را از دست داد و تنها منجر به فعال‌شدن بسیاری از شکاف‌های اجتماعی شد.

۴. «زن»؛ «زندگی»؛ «آزای» در اندیشه امام خامنه‌ای

۴-۱. جایگاه زن

زنان در هر جامعه‌ای، ذخیره‌های انسانی ارزشمندی برای تحقق اهداف معنوی و مادی کشور به شمار می‌آیند و حضور و مشارکت ایشان در فعالیت‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از عوامل اساسی رشد و اعتلای کشور محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری نیز، مسئله زن و جایگاه او را از جهات مختلف، مسئله‌ای بسیار مهم دانسته و چگونگی بهره‌مند شدن از وجود این مخلوق الهی را موضوعی قابل پیگیری و اندیشیدن به شمار می‌آورد؛ زیرا زنان نیمی از جمعیت کشورها را تشکیل می‌دهند؛ و نیز مسئله جنسیت که از حساس‌ترین مسائل آفرینش است، باید در خدمت تعالی انسان قرار بگیرد، نه در خدمت انحطاط بشر و انحطاط اخلاقی؛ هم‌چنین به‌خاطر تفاوت‌های طبیعی میان جنس زن و جنس مرد، باید رفتاری را نهادینه کرد که به زن ظلم نشود. (حسینی خامنه، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰)

امام خامنه‌ای با تکیه بر آموزه‌های اسلام و آیات قرآن، زن و مرد را از یک جوهر و حقیقت دانسته و از لحاظ ارزش‌های الهی و انسانی آن دو را برابر می‌داند؛ البته با تفاوت‌هایی در وظایف و نقش‌هایی که بر عهده دارند. بنابراین اگر قرار است تلاشی در جهت احقاق حقوق زنان در جامعه صورت گیرد و در وضعیت و جایگاه آنان تحولی ایجاد شود، این تلاش و تحول باید در راستای دستورات الهی و احکام اسلام باشد و در آن صورت است که زن می‌تواند به عنوان عضوی اثرگذار در خانه و جامعه حاضر شده و در کنار تلاش برای رسیدن به کمالات و فضایل معنوی، علمی و اخلاقی؛ در عرصه تربیت فرزندان و اعتبار بخشیدن به کانون خانواده موفق

گردد. پس «در استكمال زن و مرد جنسیت هیچ تأثیری ندارد و عبودیت خداوند و انجام واجبات و ترک محرمات به یک میزان باعث تعالی زنان و مردان می‌شود». (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۷۲)

اسلام با شناخت نیازها و تفاوت‌های مرد و زن، آن‌طور که شایسته است حقوق زن را بدو بخشیده است. اسلام زن را در مقام مادر و همسر تکریم کرده و نقش بنیادین وی را در خانواده تعریف کرده است؛ و از این رهگذر امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق اولین حق را در نظام خانوادگی به مادر داده؛ آنگاه از حق پدر سخن به میان آورده است: «وَحُقُوقُ رَجْمِكَ كَثِيرَةٌ مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ اتِّصَالِ الرَّحْمِ فِي الْقُرَابَةِ فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقَّ أُمِّكَ ثُمَّ حَقَّ أَبِيكَ ثُمَّ حَقَّ وُلْدِكَ ثُمَّ حَقَّ أَخِيكَ ثُمَّ الْأَقْرَبُ فَلَا اقْرَبُ». (نوری، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۱۵۴)

خانواده کانون مهر و محبت است و هیچ کانونی نمی‌تواند این مسئولیت بزرگ را بر دوش گیرد؛ از این رو یک زن می‌تواند به عنوان مظهر مهر و مجلای رأفت، آهنگ گیرای همنوایی و هم‌آوایی، انسجام، انعطاف و گذشت را با حضور خود گوشنواز و دلپذیر کند.

نقطه عزیمت مقام معظم رهبری نیز در ارتباط با بحث زنان، اصالت به نقش محوری آنان در خانواده در جایگاه مادر و همسر است؛ و این امر به معنای ممانعت از حضور زن در جامعه و نقش‌آفرینی وی در مسائل و فعالیت‌های اجتماعی نیست. (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، آنچه تحقق یافت؛ رشد حضور اجتماعی و علمی زنان در جامعه و جدی‌تر شدن خواست آنان برای مشارکت سیاسی و حاکمیتی بود و این روند در سال‌های بعد ادامه یافت. سپس در اثر تحولات نظام جهانی و توسعه فناوری‌های ارتباطی و فضای مجازی؛ و نیز در اثر برخی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجرا شده در کشور، دریافت‌ها و باورهای جامعه زنان در خصوص هویت و نقش خود دچار دگرگونی شد. به طوری که در برخی موضوعات، مطالبات زنان با تلقی رایج و حاکم بر بخش‌هایی که متولی امور زنان و خانواده هستند دچار تعارض شد و نظام برنامه‌ریزی کشور در مدیریت این مطالبات موفق عمل نکرد و همین امر زمینه شکاف میان آن‌ها و بهره‌برداری جریان‌های سیاسی را از این موضوع فراهم کرد. (قاسم‌پور، ۱۴۰۱)

برای حل این مشکل و جهت رسیدن به یک اجماع نظری در موضوع زنان و محقق ساختن مطالبات درست ایشان؛ باید مسئله با را رویکردی خردمحورانه و مبتنی بر اندیشه و تدبیر واکاوی کرد. مقام معظم رهبری نیز معتقد است: «در هر حرکت اجتماعی، آن وقتی حرکت درست خواهد بود و به نتایج درست خواهد رسید که مبنی بر خرد و تأمل و تشخیص و مصلحت و مبتنی بر پایه‌های درست و عقلانی باشد. [بنابراین] در هر حرکتی که به قصد احقاق حق زنان انجام می‌گیرد، عیناً باید همین معنا ملاحظه شود». (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰)

راه‌کارهایی که ایشان بدین منظور ارائه می‌دهد عبارت است از: ۱. پای کار آمدن زنان در

میدانی که متعلق به آن‌ها است. یعنی توجه و گرایش به کسب معارف و رشد معنوی، علمی و اخلاقی؛ ابتدا باید برای خود زنان ایجاد شود و به این باور برسند که حرکت به سمت چنین رشدی برای آن‌ها ضروری و اساسی است؛ ایشان در این رابطه می‌فرماید: «مسئله زنان، مسئله مهمی است؛ بهترین کسانی هم که این مسئله را می‌توانند دنبال کنند و حل کنند خود خانم‌ها هستند». (حسینی خامنه، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰)

۲. اصلاح قوانینی که مربوط به حقوق زنان است از جانب کارشناسان و اهل فن.

۳. تبیین نظر اسلام در مورد حقوق زن و مرد؛ و بیان تفاوت‌های میان آن، توسط آگاهان

این حوزه. (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰)

از نظر ایشان همه تلاش‌ها و مبارزات باید در جهت تحقق این هدف باشد که زن به کمال وجودی خود برسد؛ یعنی: «در جامعه، اولاً به حق انسانی و حقیقی خود برسد؛ ثانیاً استعدادها و او شکوفا شود و رشد حقیقی و انسانی پیدا کند و در نهایت به تکامل انسانی نائل گردد. زن در جامعه به صورت انسان کامل در آید؛ انسانی که می‌تواند به پیشرفت بشریت و جامعه خود کمک کند و در محدوده توانایی‌های خود، دنیا را به بهشت برین و زیبایی مبدل سازد». (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰)

۲-۴. زن و زندگی

در باره زندگی انسان دو نگرش وجود دارد: مادی و الهی. در نگرش مادی، انسان موجودی صرفاً جسمانی؛ دارای آفرینشی تصادفی؛ و بی‌نیاز و رها شده از خدا است و نابودی و مرگ پایان سرنوشت اوست. این نگرش، اصالت لذات مادی؛ و نفی هرگونه ارزش اخلاقی و کمالات معنوی و سعادت جاودانی را به دنبال دارد. در حالی که در نگرش الهی؛ انسان موجودی آمیخته از جسم و روح است و منشأ وجودی او خدا بوده و به او نیازمند است: «یا أيها الناس أنتم الفقراء إلى الله واللَّهُ هو الغنیُّ الحمید» (ترجمه: ای مردم! شما باید نیازمندان به خدا، و فقط خدا بی‌نیاز و ستوده است). (فاطر/۱۵) در این نگرش، آفرینش انسان بیهوده نبوده و غایتی حکیمانه دارد و زندگی مطلوب زمانی برای او محقق می‌شود که در مسیر عبودیت و بندگی گام بردارد.

بر این اساس هر انسانی سبک و شیوه زیستن خود را متناسب با معنایی که از زندگی دریافت نموده انتخاب می‌کند. به قول گیدنز^۱، تحقق زندگی معنادار در گرو وقوع هرم معناست، هرمی که در بالاترین لایه مشتمل بر هدف نهایی بوده و این هدف با گذر از اهداف مبانی به صورت افعال و اعمال اختیاری در خارج تحقق می‌یابد. در واقع سبک زندگی، به طور کامل در گرو هدفی است که فرد در زندگی برگزیده است. (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

زندگی از دیدگاه خداجویان، حرکتی جاری است که با جوش و خروش از دنیا به سوی آخرت

¹ Giddens

و لقاء الله رهسپار می‌شود و زندگی با چنین تعریفی هم حق مردان است و هم حق زنان. هر دو سزاوار بهره‌مندی از مواهب زندگی می‌باشند؛ به گونه‌ای که علاوه بر تأمین نیازهای متعارف خود در زندگی دنیا، به مسیر معنویت و سعادت اخروی در زندگی جاوید ره یابند؛ که اگر چنین نباشد و هدف آن‌ها تنها خوردن و خوابیدن و بهره‌گیری از لذت‌های دنیا باشد؛ زندگی حیوانی خواهند داشت و در خور آتش دوزخند.

نگاه امام خامنه‌ای نیز نسبت به زندگی، نگاهی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی است. ایشان از این زندگی با عنوان «حیات طیبه» یاد کرده و آن را به معنای همه چیزهایی می‌داند که بشر برای به‌زیستی و سعادت خود، به آن‌ها احتیاج دارد؛ مانند عزت ملی، استقلال و وابسته نبودن به بیگانگان، دوری از فرهنگ و سبک زندگی غربی، نیفتادن در ورطه پوچی و مصرف‌زدگی، پایبندی به اصول اخلاقی و مانند آن. (حسینی خامنه، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵)

تلاش دشمنان اسلام در طول تاریخ؛ به ویژه در چند دهه گذشته، آن بوده که با چنین سبکی از زندگی مقابله کند و با کشاندن افراد به سبک زندگی غیراسلامی و غربی، آنان را از رسیدن به مقصد بازدارد. مقام معظم رهبری به این موضوع و پیامدهای آن اشاره فرموده است: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده‌است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد...».

(حسینی خامنه، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

اما متأسفانه افرادی بوده و هستند که با گفتار و کردار خود آب به آسیاب دشمن ریخته و با شیوه‌ها و ابزارهای وابسته به فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای اعم از هنر و سینما و فضای مجازی و غیره، درصدد تهي کردن انقلاب از پشتوانه دینی و ایمانی و مردمی آن؛ و به ویژه انحراف نسل جوان از پایبندی به اصول انقلاب می‌باشند. مقام رهبری به این موضوع نیز اشاره می‌کند: «آن‌هایی که افکار غربی را، سبک زندگی غربی را، روش‌های غربی را، لغات غربی را به طور پیوسته در داخل، در ادبیات ما، در افکار ما، در دانشگاه‌های ما، در مدارس ما تزریق می‌کنند، پمپاژ می‌کنند، این‌ها همین تقی‌زاده‌های جدیدند.» (حسینی خامنه، ۱۳۹۸/۰۱/۰۱)

حال باید بیندیشیم که چرا قدرت‌های استکباری جهان و مزدوران داخلی آن‌ها این قدر اصرار دارند که فرهنگ و سبک زندگی غربی و اهداف غربی در میان مردم ما نفوذ کند؟ چرا صراحتاً تلاش می‌کنند در آموزش و پرورش کشورها نفوذ پیدا کرده و بر اجرای سند ۲۰۳۰ پافشاری می‌کنند؟ چرا کشوری مانند کشور ما که برخوردار از فرهنگی ریشه‌دار و الهی است باید دنباله‌رو فرهنگ شکست‌خورده آنان باشد؟

پاسخ ایشان چنین است: «[این تلاش‌ها] به خاطر این است که این‌ها کارهایی را که به وسیله نظامی به‌آسانی نمی‌توانند انجام بدهند، به این وسیله می‌توانند انجام بدهند. ... [دشمن] با این نفوذ می‌خواهد مقاصد خودش را، اهداف پلید خودش را عملیاتی کند و آدم‌هایی درست کند

که مثل او فکر کنند». (حسینی خامنه، ۱۳۹۹/۰۶/۱۱). پس باید همه دلسوزان، دغدغه‌مندان، و کسانی که دلشان برای احیاء زندگی به سبک قرآنی تا رسیدن به حیات طیبه می‌تپد؛ دست به کار شده و خواب دشمن را آشفته سازند. مطالبه رهبری در این زمینه این است که تمامی کسانی که مسئولیتی بر عهده دارند وارد عرصه عمل شوند؛ به عنوان نمونه؛ جامعه دانشگاهی تلاش کند تا دانشگاه را از لحاظ فرهنگی غنی سازد و سبک زندگی را همراه با علم، به جوانان بیاموزد. (حسینی خامنه، ۱۳۹۸/۰۳/۰۸)؛ جامعه فرهنگیان و معلمان تلاش کنند هویت‌سازی فرهنگی کنند؛ تا جوانان احساس هویت کنند و به فرهنگ و سبک زندگی خود افتخار کنند. (حسینی خامنه، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱)؛ سازمان تبلیغات اسلامی به رسالت خود؛ که رصد و مقابله هوشمندانه با تهاجمات فکری و فرهنگی و تبلیغی و رسانه‌ای دشمنان دین و انقلاب و کشور است، اهتمام ورزد. دشمنانی که نه امروز بلکه از چند دهه پیش، هویت و شخصیت و باور و رفتار و سبک زندگی اسلامی - ایرانی مردم خصوصاً جوانان را هدف قرار داده داده‌اند. (حسینی خامنه، ۱۳۹۷/۰۵/۲۸) و خلاصه همه مسئولان فرهنگی، مراقب رخنه فرهنگی بیگانگان باشند.

و اما یکی از اهدافی که نوک پیکان دشمن آن را نشانه رفته است، زن و سبک زندگی او در جوامع اسلامی است. تأمل در اغتشاشات و فتنه اخیر، ثابت می‌کند گسل تغییر سبک زندگی در میان خانواده‌ها و به ویژه زنان، در این رخداد، بیشتر از مسائل جدی مربوط به زنان، خود را نشان داد؛ هرچند که ظاهراً به دلیل یک احساس طردشدگی اجتماعی از جانب آنان بروز کرد و زنان تصور کردند در چنین حوادث و وقایعی است که می‌توانند از حاشیه به متن آمده و نقش‌آفرینی بکنند. غافل از آن که فرهنگ غرب یک فرهنگ مهاجم؛ و نابودکننده فرهنگ اصیل آنان است و تقلید از آن جز تباهی و افتادن به ورطه پوچی و مصرف‌زدگی؛ و قرارگرفتن در دام هوس‌بازان جنسیتی، ارمغان دیگری برای آنان ندارد.

درحقیقت، شکوفایی و تأثیرگذاری ماندگار زنان مؤمن ایرانی بعد از انقلاب اسلامی در عرصه‌ها و صحنه‌های مهم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی، موجبات خشم و کینه دشمنان را فراهم آورد و آنان تصمیم گرفتند تا منزلت و جایگاه زنان و نیز سطح اهداف، خواسته‌ها و مطالبات آنان را به «خواسته‌های حیوانی» و «غیرانسانی» تنزل دهند.

اساس شخصیت زن در جهان بینی اسلامی به عنوان «موهبت الهی» که برخوردار از شخصیت مستقل است؛ بر پایه کرامت، عزت، پاکدامنی و عفت استوار است؛ اما زن در نظر و عملکرد مدعیان شعار (زن، زندگی، آزادی)، شهروندی درجه دو؛ و ابزار جنسیتی برای بهره‌برداری‌های گوناگون مردان است.

۳-۴. زن و آزادی

آزادی، مفهومی بسیار گسترده دارد و تفسیر درست آن، وابسته به انسان‌شناسی و جهان‌شناسی آدمی است. از جمله مفاهیم آزادی؛ فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان (برلین، ۱۳۶۸، ج

۱: ۲۳۶)، سلب مانع ترقی و تکامل (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۳۱) و «حقی که به موجب آن، انسان‌ها بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار اندازند» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۹۶) می‌باشد.

آزادی، از امانت‌ها و موهبت‌های الهی است که خدای متعالی در انسان به ودیعه نهاده (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۹) تا به واسطه آن، به حیات اصیل در حوزه انسان گام نهد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۹۳)؛ و خود را از قیدهای درونی و بیرونی خلاص کند و به بندگی خدا نائل شود.

پس هر انسانی اصالتاً آزاد است و کسی حق ندارد این برخورداری را از او سلب کند مگر این‌که خود فرد بخواهد به بردگی دیگران تن در دهد، چنان‌که امام علی (ع) فرمودند: «الناس کلهم آحرارٌ إلا من أقر علی نفسه بالعبودية» (ترجمه: مردم همه آزاد و صاحب اختیارند، مگر کسی که خود به بردگی خود اعتراف کند). (الکلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۱۹۵) و البته این به معنای آزادی بی‌قید و بند نیست و انسان در قبال تمام افعال اختیاری خود، تا آنجا آزاد است که نه خود را در معرض بندگی دیگران قرار دهد و نه به دیگران ضرر و زیان برساند. امام علی (ع) در این رابطه نیز فرمودند: «لا تکن عبدَ غیرک و قد جعلک اللہ حُرّاً» (ترجمه: برده و عبد دیگری مباش، در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است). (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

و این موضوع از آنجا نشأت می‌گیرد که انسان موجودی اجتماعی است و با ورود به عرصه اجتماع باید برخی اصول و قوانین را رعایت کند. در هیچ جامعه‌ای؛ حتی جوامع بدوی؛ آزادی مطلق دیده نشده است و برای حفظ انتظام و انسجام جامعه، افراد ملزم به نادیده گرفتن برخی از آزادی‌های فردی هستند و به همین منظور باید کارگزاران و خدمتگزارانی، متصدی حفظ حقوق تک‌تک افراد و در عین حال حافظ مصلحت جامعه باشند.

و این همان راز آزادی از منظر اسلام است که مفهومی اصیل و عمیق دارد و با آزادی‌هایی که امروز به صورت شعار و ادعا و هوس درآمده، به کلی متفاوت است. آزادی اسلامی، حقیقتی زیربنایی و فطری و طبیعی و معنوی است و تا چنان آزادی اصیل تحقق نیابد، آزادی‌های روینایی و ظاهری توخالی، نه تنها آزادی نیست؛ بلکه بردگی و بندگی و بیچارگی است... اسلام قبل از هر چیز روح و اندیشه انسان را به صورت یک قانون زیربنایی آزاد می‌سازد. و برای آن که انسان بتواند در مسیر نامتناهی تکامل پیش رود، موانعی را که در برابر پرواز آزاد او قرار می‌گیرد، از بین می‌برد.

مقام معظم رهبری نیز با اشاره به آیه ۱۵۷ سوره اعراف مفهوم آزادی را از دیدگاه قرآن به روشنی تبیین کرده، می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (ترجمه: همان کسانی که از این رسول و پیامبر

«ناخوانده درس» که او را نزد خود [با همه نشانه‌ها و اوصافش] در تورات و انجیل نگاشته می‌یابند، پیروی می‌کنند؛ پیامبری که آنان را به کارهای شایسته فرمان می‌دهد، و از اعمال زشت باز می‌دارد، و پاکیزه‌ها را بر آنان حلال می‌نماید، و ناپاک‌ها را بر آنان حرام می‌کند، و بارهای تکالیف سنگین و زنجیرها [ی جهل، بی‌خبری و بدعت را] که بر دوش عقل و جان آنان است برمی‌دارد) (أعراف: ۱۵۷)؛ واضح‌ترین آیه در قرآن برای آزادی است. (حسینی خامنه، ۱۳۹۱/۰۸/۲۳) آنگاه در تشریح آیه، منظور از «إصر» را آن چیزهایی می‌داند که انسان را به زمین می‌چسباند و مانند غل و زنجیر عمل می‌کند و مانع پروازش می‌شود؛ بنابراین پیغمبر آمده است این غل و زنجیر را بردارد. و این‌که قبل از عبارت «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»، عبارت «وَيَحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحْرَمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ» آمده است را دلیل بر وجود محدودیت و ممنوعیت در کنار آزادی تلقی می‌کند.

پس منظور از آزادی در اندیشه ایشان «آزادی‌های مشروع است». (حسینی خامنه، ۱۳۹۸/۰۴/۰۵) و «نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود». (حسینی خامنه، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) چرا که «طبیعت آزادی این است که اگر قانون و چهارچوب وجود نداشته باشد، از حد تجاوز خواهد کرد، به تعدی و به ولنگاری و به جاهای بدی خواهد انجامید» (حسینی خامنه، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷). و این وجه تمایز اندیشه اسلامی و اندیشه غربی در تعریف آزادی است.

در اندیشه لیبرالیستی غرب، آزادی منشأ اومانیستی دارد و انسان به عنوان محور هستی، از حق اختیار و آزادی بی‌حصر و حد برخوردار است و به عنوان صاحب‌اختیار عالم وجود می‌تواند دست به هر کاری بزند؛ در حالی که در اسلام مبنای اصلی آزادی انسان، توحید است؛ یعنی آدمی از همه قیود غیر از بندگی خداوند آزاد است. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «یک فاصله عمیقی بین نگاه و نگرش اسلام و نگاه و نگرش غرب وجود دارد... ملاک و معیار آزادی در آنجا بحث انسان‌سالاری است، در اینجا بحث خداسالاری است، عبودیت خداست، توحید الهی است» (حسینی خامنه، ۱۳۹۱/۰۸/۲۳).

بنابراین هر فرد یا اندیشه‌ای که از «آزادی» سخن می‌گوید و یا پرسشی را در مورد آن مطرح می‌کند، ابتدا باید منظور خود را از این «کلیدواژه» به طور دقیق مشخص کند.

مفهوم آزادی که در اغتشاشات ۱۴۰۱ مطرح شد، نمادی بی‌محتوا از تفکر مدرنیته؛ و شعاری دگرگون شده از حقیقت آزادی بود. آزادی در تمام تمدن‌ها، با هر نگاهی؛ تعریف و چارچوبی مشخص دارد، اما در این فتنه و آشوب هیچ تعریف و چارچوبی از آزادی که سر می‌دادند، ارائه نشد. می‌توان گفت چیزی که بر زبان آنان جاری شد پوستین وارونه‌ای بود که غرب و مزدوران منطقه‌ای آن در خاورمیانه از آزادی عرضه می‌کنند و چیزی جز وابستگی، ویرانی، اسارت حیوانی و سلطه بیگانه به همراه نداشته و ندارد.

آنچه روشن است سر دادن این شعار از جانب کسانی کلید خورد که در سر، هیمنه و سلطه غرب را می‌پروراندند و تصورشان از آزادی زن همان چیزی بود که دنیای غرب داعیه‌دار آن است. دنیایی که تا چند دهه قبل، زن در آن از هیچ یک از حقوقی که یک انسان در یک جامعه متمدن دارد، برخوردار نبود. حق رأی و حق مالکیت و حق معامله نداشت و کاملاً در سیطره مرد بود. آنگاه برای جبران این ستم که بر زن روا داشته بودند و عقب ماندگی که به او تحمیل کرده بودند، جنجالی دروغین برپا کرده و شعار برابری زن و مرد را سر دادند و آزادی و حقوق زنان را مطرح کردند. و به تعبیر امام خامنه‌ای، «در حقیقت، نهضت دفاع از زنان در غرب، یک حرکت دستپاچه، یک حرکت بی‌منطق، یک حرکت مبتنی بر جهالت، بدون تکیه به سنت‌های الهی و بدون تکیه به فطرت و طینت زن و مرد بود که در نهایت به ضرر همه تمام شد؛ هم به ضرر زنان، هم به ضرر مردان، و بیشتر به ضرر زنان» (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

بنابراین آنچه را که غرب برای زنان به ارمغان آورده است؛ غوطه ور شدن در فساد و تباهی است و به تعبیر مقام معظم رهبری: «یعنی آزادی از قید و بندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزادی از حتی قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آنجایی که هدف شهوانی زودگذری در مقابل قرار گیرد نه آزادی به معنای صحیح آن». (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰) و این تلقی نادرست باعث شد که به عنوان خدمت به زن بزرگترین ضربه را به زندگی او وارد آورند و با اشاعه فساد و فحشا و با آزادی بی‌قید و شرط معاشرت زن و مرد، بنیان خانواده را متلاشی کنند.

حال آن‌که آزادی زن در گرو عفت اوست و اگر می‌خواهد به تعالی برسد و شخصیت او تکریم شود باید خود را از غل و زنجیر بی‌بند و باری نجات دهد تا ابزاری برای هوسرانی مردان زیاده‌خواه نباشد. و به تعبیر استاد مطهری؛ زن به الهام فطری دریافته است که برای حفظ عزت و احترام خود، نباید خویش را رایگان در اختیار مرد قرار دهد. (مطهری، ۱۳۹۴، ج ۱۹: ۲۰۱) بنابراین به تعبیر مقام رهبری «هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می‌گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد» (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰). شرایط جامعه نیز، هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ اخلاقی، باید به گونه‌ای باشد که حرمت و کرامت زن حفظ شود و با کسانی که تعدی به زن را روا می‌دارند؛ برخورد جدی صورت گیرد.

یکی از راه‌های مراقبت از عفت و حرمت زنان، رعایت پوشش و حجاب است که شرع مقدس اسلام آن را واجب کرده است. البته رعایت حجاب و عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان هم باید عقیف باشند. ولی از آنجا که برخی مردان به خاطر قدرت جسمانی احساس برتری کرده، تصور می‌کنند می‌توانند به زن ظلم نموده و هر زمان که خواستند از او کامجویی کنند، روی عفت و حجاب زن بیشتر تأکید شده است.

اگر دنیای غرب به بهانه آزادی، عفت و پاکدامنی را از زنان خود نمی‌گرفت، تا این حد به

انحطاط اخلاقی دچار نشده و بنیان خانواده از هم متلاشی نمی‌شد؛ و این بزرگترین اشتباهی بود که در حق زن مرتکب شد. به تعبیر مقام معظم رهبری «دنیای استکباری سرشار از جاهلیت، در اشتباه است که خیال می‌کند ارزش و اعتبار زن به این است که خود را در چشم مردان آرایش کند تا چشم‌های هرزه به او نگاه کنند و از او تمتع گیرند و او را تحسین نمایند. بساط آن چیزی که امروز به عنوان «آزادی زن» در دنیا و از سوی فرهنگ منحط غربی پهن شده‌است، بر پایه این است که زن را در معرض دید مرد قرار دهند تا از او تمتعات جنسی ببرند». (حسینی خامنه، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵)

بنابراین مسأله حجاب نه تنها یک واجب شرعی است؛ بلکه یک مسأله ارزشی است که زن را در برابر لغزشگاه‌ها محافظت می‌کند و به او کمک می‌کند تا به جایگاه حقیقی خود برسد. پس کسانی که با شعار (زن، زندگی، آزادی) زنان را به خیابان کشانده و آنان را تشویق به کشف حجاب کردند، دست به خیانتی چند جانبه زدند. حکم صریح مقام معظم رهبری در مورد کشف حجاب آن است که: «هم حرام شرعی است، هم حرام سیاسی». (حسینی خامنه، ۱۴۰۲/۰۱/۱۵) حرام سیاسی یعنی؛ نافرمانی نسبت به «ارزش‌های اجتماعی اسلام»؛ «تشبه به کفار و دشمنان دین» در سبک زندگی؛ امیدوار کردن دشمنان در مورد تأثیرگذار بودن جنگ نرم و تهاجم فرهنگی علیه جامعه اسلامی؛ و «رها کردن ولایت حق» و پیوستن به ولایت باطل. بنابراین «حرام سیاسی» ترکیبی از چندین حرام و گناه کبیره دیگر است.

۵. نتیجه

تحلیل و بررسی شعار (زن، زندگی، آزادی) که در فتنه ۱۴۰۱ سر داده شد، ثابت می‌کند که این شعار ایدئولوژی مستحکمی نداشته و بیشتر نمادی از تفکر مدرنیته وابسته به امپریالیسم جهانی است که به تعبیر مقام معظم رهبری به صورت یک جنگ ترکیبی طراحی و اجرا شد. جنگی که آمریکا، اسرائیل، بعضی از قدرت‌های اروپایی و گروه‌ها و گروهک‌ها، همه امکاناتشان را وارد میدان کردند تا بتوانند بر ملت ایران فائق بیایند و برای رسیدن به این هدف زن را نشانه گرفته و به بهانه دفاع از جایگاه و حقوق او هر آنچه از شرارت می‌دانستند به کار بردند.

واکاوی اندیشه‌های مقام معظم رهبری نشان می‌دهد؛ زن و مرد از یک جوهر و حقیقت هستند و از لحاظ ارزش‌های الهی و انسانی با هم برابرند. بنابراین زن باید از تمامی حقوق بشری که لازمه رسیدن او به کمال و تعالی است برخوردار باشد؛ و اگر در دین اسلام، تفاوت‌ها و محدودیت‌هایی برای زن و مرد مطرح شده، بر اساس حکمت خداوند؛ و مصلحت و نیازها؛ و ویژگی‌های خلقی و خلقی آنهاست. پس اگر زن بر اساس الگوهای اسلامی تربیت شود می‌تواند به عنوان عضوی اثرگذار در خانه و جامعه حاضر شده و در کنار تلاش برای رسیدن به کمالات و فضایل معنوی، علمی و اخلاقی؛ در عرصه تربیت فرزندان و اعتبار بخشیدن به کانون خانواده به موفقیت نائل شود. بنابراین دیدگاه ایشان در موضوع زن این است که اسلام زن را در مقام مادر و

همسر تکریم کرده و نقش بنیادین وی را در خانواده تعریف کرده است؛ و این امر منافاتی با حضور در جامعه و نقش‌آفرینی وی در مسائل و فعالیت‌های اجتماعی ندارد.

معظم له از زندگی مطلوب و مورد نظر اسلام، با عنوان «حیات طیبه» یاد کرده و آن را آن‌گونه زیستنی می‌داند که بشر برای رسیدن به سعادت بدان نیاز دارد؛ و نشانه این زندگی را برخورداری از آرامش، عزت و دوری از اضطرابات روحی برمی‌شمارد که هم حق مردان است و هم حق زنان؛ و رسیدن به آن، تنها در محیط امن خانواده فراهم می‌شود. بنابراین برای اسلام، زن بودن و مرد بودن مطرح نیست؛ اخلاق؛ تعالی بشری؛ و بروز استعدادها مطرح است.

امام خامنه‌ای معتقد است برای دست یافتن به چنین سبک زندگی که در حقیقت نقشی اساسی در بنای تمدن نوین اسلامی دارد، باید به شدت از تقلید پرهیز کرد و با رویکردی خردمحورانه و مبتنی بر اندیشه و تدبیر، مسائل مربوط به زندگی و حقوق زن را مورد واکاوی قرار داد و هرکجا که برای ظلم به زن زمینه‌ای فراهم است، با اصلاح قوانین از بروز آن جلوگیری کرده و با خاطیان برخورد جدی صورت گیرد. بنابراین تمامی دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادها و همه کسانی که در این زمینه مسئولیتی دارند باید دست به‌کار شده و بررسی کنند که زن به جهت زن بودن، چه تکالیفی دارد و برای برخورداری از حقوق اجتماعی و انسانی به چه قوانینی نیاز هست؛ تا شرایط لازم را برای او، جهت تحمل آن تکالیف و بهره‌مندی از حقوق خویش، فراهم آورند. که اگر چنین شود انقلاب اسلامی به اهداف خود که عبارت است از حاکمیت دین خدا، آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، ریشه‌کنی جهل و فقر؛ نزدیک شده است.

و در پایان، کسانی که به بهانه دفاع از حقوق زن و آزادی او، نسخه‌ای را که دنیای غرب برای فروپاشی خانواده و نابودی عفت و پاکدامنی غرب فراهم آورده؛ تجویز می‌کنند و با استفاده از زبان هنر و بیان؛ و با به‌کارگیری زر و زور و تزویر، می‌خواهند ایمان مردم را مورد تهاجم قرار بدهند و در فرهنگ اسلامی و انقلابی مردم رخنه ایجاد کنند، بدانند تقلید از غرب جز ضرر و فاجعه به بار نمی‌آورد و این نسخه، مدت‌هاست که باطل شده است و آنان با به راه‌انداختن آشوب و فتنه هیچ‌گاه به اهداف خود نمی‌رسند و خوابشان تعبیر نخواهد شد.

منابع

قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، تهران: نشر چشمه.
نهج البلاغه (۱۳۸۸). گردآورنده: سید رضی، ترجمه: محمد دشتی، تهران: انتشارات پیام عدالت.

احمدی نیک، سید مهدی و یوسف‌وند، حبیب (۱۳۹۷). حقوق زنان و آزادی‌های فردی (با تأکید بر پوشش و آثار اجتماعی آن)، مجموعه مقالات کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی.

برلین، آیزایا (۱۳۶۸). چهار مقاله در باره آزادی، ترجمه: محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). فلسفه حقوق بشر. قم: اسراء.
حسین نژاد، یوسف و اسماعیل پور، سیده معصومه (۱۳۹۶). زن در اندیشه اسلامی، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال پنجم، شماره ۸، صص ۱۸۶ - ۱۷۱
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۷۱/۰۹/۲۵). بیانات در دیدار جمعی از زنان
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2645>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۷۶/۰۷/۳۰). بیانات در دیدار جمعی از زنان
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۸۴/۰۵/۰۵). بیانات در دیدار جمعی از مداحان.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3298>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۱/۰۸/۲۳). بیانات در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21471>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۳/۰۱/۳۰). بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26155>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۴/۰۶/۲۵). بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۷/۰۳/۰۷). دیدار جمعی از دانشجویان.
<https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=2&year=1397>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۷/۰۵/۲۸). بیانات به وقت انتصاب حجت‌الاسلام محمد قمی به ریاست سازمان تبلیغات اسلامی. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=40291>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران.
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۸/۰۱/۰۱). بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42061>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۸/۰۲/۱۱). بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42410>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۸/۰۳/۰۸). بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها.

- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42700>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۸/۰۴/۰۵). بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه.
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42925>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۹/۰۶/۱۱). بیانات در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش.
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46388>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۴۰۱/۰۸/۱۱). بیانات در دیدار دانش‌آموزان.
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51259>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۴۰۲/۰۱/۱۵). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام.
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52389>
راجی، سیدمحمد حسین (۱۴۰۱). «زن، زندگی، آزادی»، قم: معارف.
زنگی‌آبادی، فاطمه (۱۴۰۱). «زن، زندگی، آزادی»، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی.
- صادقی، علی و عنایت‌زاده، مهدی (۱۴۰۰). تبیین حقیقت جایگاه زن در اسلام براساس متن دین و اندیشمندان تراز اسلامی، فصلنامه دین و قانون، شماره ۳۱، صص ۱۱۵ - ۱۰۱
طاهرخانی، فاطمه (۱۴۰۱/۱۲/۰۸). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نشست هفتم از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی، جایگاه زنان در چهار دهه انقلاب اسلامی (بررسی و نقد شعار زن، زندگی، آزادی).
- <https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/23604>
طاهری‌کیا، حامد (۱۴۰۱). رخداد زن، زندگی، آزادی و نبرد بر سر تسخیر فضا، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱۸، شماره ۴، صص ۱۰۰ - ۶۵
فاتحی دهاقانی، ابوالقاسم، (۱۴۰۱/۱۰/۱۱). رسانه تحلیلی دانشگاه علامه طباطبایی.
- <https://atna.ac.ir/fa/news/304520>
قاسم‌پور، فاطمه (۱۴۰۱/۱۲/۰۸). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نشست هفتم از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی، جایگاه زنان در چهار دهه انقلاب اسلامی (بررسی و نقد شعار زن، زندگی، آزادی).
- <https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/23604>
الکلینی الرازی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
گلی، علی (۱۳۹۰). زنان و امنیت در فضاهاى عمومی شهری، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۶۵ - ۱۴۳
گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
محسنی مری، قاسم و عباسی، سلیمان (۱۴۰۲). مفهوم‌شناسی آزادی و عدالت اجتماعی و

هم‌پیوندی آن در گفتمان نهج البلاغه، فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۲۱-۱

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). پرسش‌ها و پاسخ‌ها، جلد پنجم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). مجموعه آثار شهید مطهری (نظام حقوق زن در اسلام)، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). یادداشت‌های استاد مطهری، تهران: صدرا.

مظاهری کوهانستانی، رسول و حیدریان دولت‌آبادی، محمدجواد (۱۳۹۸). مطالعات کاربردی تحولات فقهی شیعه در دوران معاصر در باره حقوق و آزادی‌های زنان، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال ۷، شماره ۱۵، صص ۵۸-۳۳

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷). ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی.

میرخلیلی، سید احمد و محمدی، عبدالقادر (۱۳۹۶). مبانی نظری حق آزادی زنان از

دیدگاه امام خمینی، پژوهشنامه متین، سال نوزدهم، شماره ۷۶، صص ۱۴۳-۱۱۹

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۶۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، قم:

مؤسسه آل‌البیت علیه السلام لاحیاء التراث.

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۸). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مبانی کلی

نظام، جلد ۱، تهران: میزان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی